

Tag der Auferstehung des Herrn

من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.

Christus spricht: Ich war tot, und siehe, ich bin lebendig von Ewigkeit zu Ewigkeit und habe die Schlüssel des Todes und der Hölle.

Wochenspruch – Offenbarung 1,18

Eingangspsaln (Introitus) Nr. 35

فریاد شادی پیروزی را
از چادرهای قوم خدا بشنوید که می‌گویند:

«دست پر قدرت خداوند
این پیروزی را نصیب ما ساخته است.»
من نخواهم مرد، بلکه زنده خواهم ماند
تا کارهای خداوند را بیان نمایم.
از اینکه دعای مرا مستجاب فرمودی
و به من پیروزی عطا کردی، از تو سپاسگزارم.
سنگی را که معماران رد کردند،
اکنون مهمترین سنگ بنا شده است.
این کار خداوند است
که به نظر ما عجیب می‌آید.
این است روزی که خداوند ساخته است،
بیایید تا با هم شادی کنیم و آن را جشن بگیریم.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Halleluja! Auferstanden ist der Herr,
Halleluja; er ist wahrhaftig auferstan-
den, Halleluja, Halleluja.

Man singt mit Freuden vom Sieg / in
den Hütten der Gerechten: Die Rechte
des HERRN behält den Sieg!

Die Rechte des HERRN ist erhöht; die
Rechte des HERRN behält den Sieg!

Ich werde nicht sterben, sondern leben
und des HERRN Werke verkündigen.

Ich danke dir, dass du mich erhört hast
und hast mir geholfen.

Der Stein, den die Bauleute verworfen
haben, ist zum Eckstein geworden.

Das ist vom HERRN geschehen und ist
ein Wunder vor unsern Augen.

Dies ist der Tag, den der HERR macht;
lasst uns freuen und fröhlich an ihm
sein.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und
dem Heiligen Geist,

wie im Anfang, so auch jetzt und alle-
zeit und in Ewigkeit. Amen.

Predigtlesung (I)

Johannes 20,11-18

- 11 اما مریم در خارج قبر ایستاده بود و گریه می‌کرد. همان‌طور که او اشک می‌ریخت خم شد و به داخل قبر نگاه کرد
- 12 و دو فرشته سفید پوش را دید که در جایی که بدن عیسی را گذاشته بود، یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پا نشسته بودند.
- 13 آنها به او گفتند: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟» او پاسخ داد: «خداوند مرا برده‌اند و نمی‌دانم او را کجا گذاشته‌اند.»
- 14 وقتی این را گفت به عقب برگشت و عیسی را دید که در آنجا ایستاده است ولی او را نشناخت.
- 15 عیسی به او گفت: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟ به دنبال چه کسی می‌گردی؟» مریم به گمان اینکه او باغبان است به او گفت: «ای آقا، اگر تو او را برده‌ای به من بگو او را کجا گذاشته‌ای تا من او را ببرم.»
- 16 عیسی گفت: «ای مریم، مریم برگشت و به زبان عبری گفت: «ریونی.» (یعنی ای استاد.)
- 17 عیسی به او گفت: «به من دست نزن! زیرا هنوز به نزد پدر بالا نرفته‌ام اما پیش برادران من برو و به آنان بگو که اکنون پیش پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می‌روم.»
- 18 مریم مجدلیه پیش شاگردان رفت و به آنها گفت: «من خداوند را دیده‌ام.» و سپس پیغام او را به آنان رسانید.

Tag der Auferstehung des Herrn

من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.

Christus spricht: Ich war tot, und siehe, ich bin lebendig von Ewigkeit zu Ewigkeit und habe die Schlüssel des Todes und der Hölle.

Wochenspruch – Offenbarung 1,18

Eingangspsaln (Introitus) Nr. 35

فریاد شادی پیروزی را
از چادرهای قوم خدا بشنوید که می‌گویند:

«دست پر قدرت خداوند
این پیروزی را نصیب ما ساخته است.»
من نخواهم مرد، بلکه زنده خواهم ماند
تا کارهای خداوند را بیان نمایم.
از اینکه دعای مرا مستجاب فرمودی
و به من پیروزی عطا کردی، از تو سپاسگزارم.
سنگی را که معماران رد کردند،
اکنون مهمترین سنگ بنا شده است.
این کار خداوند است
که به نظر ما عجیب می‌آید.
این است روزی که خداوند ساخته است،
بیایید تا با هم شادی کنیم و آن را جشن بگیریم.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Halleluja! Auferstanden ist der Herr,
Halleluja; er ist wahrhaftig auferstan-
den, Halleluja, Halleluja.

Man singt mit Freuden vom Sieg / in
den Hütten der Gerechten: Die Rechte
des HERRN behält den Sieg!

Die Rechte des HERRN ist erhöht; die
Rechte des HERRN behält den Sieg!

Ich werde nicht sterben, sondern leben
und des HERRN Werke verkündigen.

Ich danke dir, dass du mich erhört hast
und hast mir geholfen.

Der Stein, den die Bauleute verworfen
haben, ist zum Eckstein geworden.

Das ist vom HERRN geschehen und ist
ein Wunder vor unsern Augen.

Dies ist der Tag, den der HERR macht;
lasst uns freuen und fröhlich an ihm
sein.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und
dem Heiligen Geist,

wie im Anfang, so auch jetzt und alle-
zeit und in Ewigkeit. Amen.

Predigtlesung (II)

1. Korinther 15,(12-18)19-28

- 12 پس اگر مرده‌ای را که ما اعلام می‌کنیم، این باشد که مسیح پس از مرگ زنده شد، چگونه بعضی از شما می‌توانید ادعا کنید که قیامت مردگان وجود ندارد؟
- 13 اگر قیامت مردگان وجود نداشته باشد، پس مسیح هم زنده نشده است!
- 14 و اگر مسیح زنده نشده باشد، هم بشارت ما پوچ است و هم ایمان شما!
- 15 وقتی گفتیم که خدا مسیح را زنده ساخته است، در صورتی که زنده شدن مردگان درست نباشد، درباره خدا شهادت دروغ داده‌ایم.
- 16 زیرا اگر مردگان زنده نمی‌شوند، مسیح هم مسلماً زنده نشده است.
- 17 و اگر مسیح زنده نشده است، ایمان شما بیهوده است و شما هنوز در گناهان خود هستید.
- 18 از آن گذشته ایماندارانی هم که مرده‌اند، باید هلاک شده باشند!
- 19 اگر امید ما به مسیح فقط منحصر به این زندگی باشد، از تمام مردم بدبخت‌تر هستیم!
- 20 اما در حقیقت، مسیح پس از مرگ زنده شد و اولین کسی است که از میان مردگان برخاسته است.
- 21 زیرا چنانکه مرگ به وسیله یک انسان آمد، همان‌طور قیامت از مردگان نیز به وسیله یک انسان دیگر فرا رسید.
- 22 و همان‌طور که همه آدمیان به خاطر همبستگی با آدم می‌میرند، تمام کسانی که با مسیح متحدند، زنده خواهند شد.
- 23 اما هرکس به نوبت خود زنده می‌شود: اول مسیح و بعد در وقت آمدن او آنانی که متعلق به او هستند.
- 24 پس از آن پایان کار فرا خواهد رسید و مسیح تمام فرمانروایان و قوتها و قدرت‌ها را برانداخته و پادشاهی را به خدای پدر خواهد سپرد.
- 25 زیرا تا آن زمانی که خدا همه دشمنان را زیر پای مسیح نگذارد او باید به سلطنت خود ادامه دهد.
- 26 آخرین دشمنی که بر انداخته می‌شود، مرگ است.
- 27 کلام خدا می‌گوید که خدا همه‌چیز را زیر پای مسیح قرار داده است. ولی البته معلوم است که عبارت «همه‌چیز» شامل خدا، که همه‌چیز را تحت فرمان مسیح می‌گذارد، نمی‌شود.
- 28 وقتی که همه‌چیز تحت فرمان مسیح قرار بگیرد، مسیح نیز که پسر خداست، خود را در اختیار خدا که همه‌چیز را به فرمان او گذاشت، قرار خواهد داد تا خدا بر کل کاینات حاکم گردد.

Tag der Auferstehung des Herrn

من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.

Christus spricht: Ich war tot, und siehe, ich bin lebendig von Ewigkeit zu Ewigkeit und habe die Schlüssel des Todes und der Hölle.

Wochenspruch – Offenbarung 1,18

Eingangspsaln (Introitus) Nr. 35

فریاد شادی پیروزی را
از چادرهای قوم خدا بشنوید که می‌گویند:

«دست پر قدرت خداوند
این پیروزی را نصیب ما ساخته است.»
من نخواهم مرد، بلکه زنده خواهم ماند
تا کارهای خداوند را بیان نمایم.
از اینکه دعای مرا مستجاب فرمودی
و به من پیروزی عطا کردی، از تو سپاسگزارم.
سنگی را که معماران رد کردند،
اکنون مهمترین سنگ بنا شده است.
این کار خداوند است
که به نظر ما عجیب می‌آید.
این است روزی که خداوند ساخته است،
بیایید تا با هم شادی کنیم و آن را جشن بگیریم.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Halleluja! Auferstanden ist der Herr,
Halleluja; er ist wahrhaftig auferstan-
den, Halleluja, Halleluja.

Man singt mit Freuden vom Sieg / in
den Hütten der Gerechten: Die Rechte
des HERRN behält den Sieg!

Die Rechte des HERRN ist erhöht; die
Rechte des HERRN behält den Sieg!

Ich werde nicht sterben, sondern leben
und des HERRN Werke verkündigen.

Ich danke dir, dass du mich erhört hast
und hast mir geholfen.

Der Stein, den die Bauleute verworfen
haben, ist zum Eckstein geworden.

Das ist vom HERRN geschehen und ist
ein Wunder vor unsern Augen.

Dies ist der Tag, den der HERR macht;
lasst uns freuen und fröhlich an ihm
sein.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und
dem Heiligen Geist,

wie im Anfang, so auch jetzt und alle-
zeit und in Ewigkeit. Amen.

Predigtlesung (III)

2. Mose 14,8-14,19-23,28-30a;15,20-21

- 8 خداوند، دل فرعون و درباریان او را سخت گردانید و فرعون به تعقیب بنی اسرائیل که جسورانه از مصر بیرون رفته بودند پرداخت.
- 9 لشکریان مصر، با تمام اسبان و ازابه‌های فرعون و سواران به دنبال بنی اسرائیل رفتند و در پی حیروت و بل صفون، جایی که اردو زده بودند، به آنها رسیدند.
- 10 وقتی بنی اسرائیل دیدند که فرعون و لشکریانش به دنبال آنها می‌آیند ترسیدند و نزد خداوند فریاد کردند.
- 11 آنها به موسی گفتند: «آیا در مصر قبر نبود که ما را به این بیابان آوردی تا اینجا بمیریم؟ بین با بیرون آوردن ما از مصر با ما چه کار کردی.
- 12 آیا قبل از اینکه از مصر بیرون بیاییم به تو نگفتیم که بگذار در اینجا بمانیم و مصری‌ها را خدمت کنیم؟ زیرا بهتر است در آنجا برده باشیم تا اینکه اینجا در بیابان بمیریم.»
- 13 موسی در جواب آنها گفت: «نترسید. بایستید و ببینید که خداوند امروز برای نجات شما چه می‌کند. شما هرگز دوباره مصریان را نخواهید دید.
- 14 خداوند برای شما جنگ می‌کند و لازم نیست شما هیچ کاری بکنید.»
- 19 فرشته‌ی خداوند که در جلوی اردوی بنی اسرائیل حرکت می‌کرد، رفت و در پشت سر آنها ایستاد. ستون ابر هم از جلوی ایشان رفت و در پشت سر آنها،
- 20 بین لشکریان مصر و اردوی بنی اسرائیل ایستاد. ستون ابر برای مصری‌ها تاریکی و شب به وجود آورد ولی به قوم اسرائیل روشنایی می‌بخشید. بنابراین لشکریان آنها نتوانستند به یکدیگر نزدیک شوند.
- 21 موسی دست خود را به طرف دریا بلند کرد و خداوند به وسیله‌ی یک باد شدید شرقی که در تمام شب می‌وزید آبهای دریا را به عقب برد. آب شکافته شد
- 22 و بنی اسرائیل در میان دریا از روی خشکی عبور کردند و آنها در دو طرف آنها دیوار شده بود.
- 23 مصریان از عقب آنها رفتند و با تمام اسبان، ازابه‌ها و سواران آنها به وسط دریا آمدند.
- 28 آنها برگشتند و ازابه‌ها و سواران آنها و لشکریان مصر که به دنبال بنی اسرائیل آمده بودند، در دریا غرق شدند، به طوری که یکی از آنها هم باقی نماند.
- 29 اما بنی اسرائیل در وسط دریا از روی زمین خشک عبور کردند و آنها در دو طرف آنها مانند دیوار بود.
- 30 در آن روز خداوند بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات داد و بنی اسرائیل جنازه‌ی مصریان را در ساحل دریا مشاهده کردند.
- 20 مریم، که بنییه و خواهر هارون بود دف خود را برداشت و تمام زنها به دنبال او دفتهای خود را برداشته رقص‌کنان بیرون آمدند.
- 21 مریم این سرود را برای آنها خواند: «برای خداوند بسرایید زیرا که با جلال پیروز شده است. او اسبها و سوارانش را به دریا انداخت.»

Tag der Auferstehung des Herrn

من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.

Christus spricht: Ich war tot, und siehe, ich bin lebendig von Ewigkeit zu Ewigkeit und habe die Schlüssel des Todes und der Hölle.

Wochenspruch – Offenbarung 1,18

Eingangspsaln (Introitus) Nr. 35

فریاد شادی پیروزی را از چادرهای قوم خدا بشنوید که می‌گویند:

«دست پر قدرت خداوند این پیروزی را نصیب ما ساخته است.»
من نخواهم مرد، بلکه زنده خواهم ماند تا کارهای خداوند را بیان نمایم.
از اینکه دعای مرا مستجاب فرمودی و به من پیروزی عطا کردی، از تو سپاسگزارم.
سنگی را که معماران رد کردند، اکنون مهمترین سنگ بنا شده است.
این کار خداوند است که به نظر ما عجیب می‌آید.
این است روزی که خداوند ساخته است، بیایید تا با هم شادی کنیم و آن را جشن بگیریم.
خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Halleluja! Auferstanden ist der Herr, Halleluja; er ist wahrhaftig auferstanden, Halleluja, Halleluja.

Man singt mit Freuden vom Sieg / in den Hütten der Gerechten: Die Rechte des HERRN behält den Sieg!

Die Rechte des HERRN ist erhöht; die Rechte des HERRN behält den Sieg!

Ich werde nicht sterben, sondern leben und des HERRN Werke verkündigen.

Ich danke dir, dass du mich erhört hast und hast mir geholfen.

Der Stein, den die Bauleute verworfen haben, ist zum Eckstein geworden.

Das ist vom HERRN geschehen und ist ein Wunder vor unsern Augen.

Dies ist der Tag, den der HERR macht; lasst uns freuen und fröhlich an ihm sein.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und dem Heiligen Geist,

wie im Anfang, so auch jetzt und allezeit und in Ewigkeit. Amen.

Lesung aus dem Alten Testament

1. Samuel 2,1-8a

- 1 حنا دعا کرد و گفت: «خداوند دل مرا شادمان ساخته است، از کارهایی که خدا برای من کرده است، شادی می‌کنم، با خوشحالی بر دشمنانم می‌خندم، چقدر خوشبخت هستم، چون خداوند مرا یاری نموده است.
- 2 «او یگانه خدای پاک و مقدس است. شریک و همتایی ندارد. هیچ پشت و پناهی مانند خدای ما نیست.
- 3 مغرور و متکبر مباشید و سخنان غرورآمیز بر زبان میاورید.
- 4 خداوند بر همه چیز آگاه است. اوست که کارهای مردم را داوری می‌کند.
- 4 کمان دلاوران را می‌شکند، اما ناتوانان را نیرو می‌بخشد.
- 5 کسانی که سیر بودند اکنون برای یک لقمه نان اجیر می‌شوند، اما آنهایی که گرسنه بودند، سیر شدند.
- زنی که نازا بود، هفت طفل به دنیا آورد، و آنکه فرزندان زیاد داشت، اکنون بی‌اولاد گردیده است.
- 6 خداوند می‌میراند و زنده می‌کند. به گور می‌برد و زنده می‌سازد.
- 7 خداوند فقیر می‌کند و غنی می‌گرداند. سرنگون می‌سازد و سرفراز می‌نماید.
- 8 مسکینان را از خاک بلند می‌کند و بینوایان را از بدبختی می‌رهاند.

Epistel

1. Korinther 5,7-8

- 7 پس اگر می‌خواهید خمیر تازه (فطیر) باشید (چنانکه هستید) باید خمیرمایه کهنه را تماماً از میان بردارید، زیرا مسیح که «قربانی عید فصح» ماست، ذبح شده است.
- 8 بنابراین، عید فصح را نه با خمیرمایه ترش و کهنه که خمیرمایه بدخواهی و شرارت است، بلکه با نان فطیر که نان صمیمیت و صداقت است، نگاه داریم.

Epistel

1. Korinther 15,1-11

- 1 ای دوستان من، اکنون می‌خواهم مژده‌ای را که قبلاً به شما اعلام کرده بودم و شما قبول نمودید و در آن پایدار هستید، بیاد شما بیاورم.
- 2 اگر به آن متوسل باشید به وسیله آن نجات می‌یابید، مگر اینکه ایمان شما واقعی نباشد.
- 3 آنچه را که به من رسیده بود یعنی مهمترین حقایق انجیل را به شما سپردم و آن این است که مطابق پیشگویی‌های تورات و نوشته‌های انبیا، مسیح برای گناهان ما مرد
- 4 و مدفون شد و نیز بر طبق کتاب مقدس در روز سوم زنده گشت
- 5 و بعد خود را به پطرس و پس از آن به دوازده رسول ظاهر ساخت و
- 6 یکبار هم به بیش از پانصد نفر از پیروان دیگر ظاهر شد، که اغلب آنها تا امروز زنده‌اند ولی بعضی مرده‌اند.
- 7 بعد از آن یعقوب و سپس تمام رسولان او را دیدند.
- 8 آخر همه، خود را به من که در برابر آنها طفلی نارس بودم، ظاهر ساخت؛
- 9 زیرا من از تمام رسولان او کمتر هستم و حتی شایستگی آن را ندارم که رسول خوانده شوم، چون بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم.
- 10 اما به وسیله فیض خدا آنچه امروز هستم، هستم و فیضی که او نصیب من گردانید، بیهوده نبود؛ زیرا من از همه ایشان بیشتر زحمت کشیدم. گرچه واقعاً من نبودم؛ بلکه فیض خدا بود که با من کار می‌کرد.
- 11 به هرحال خواه من بیشتر زحمت کشیده باشم، خواه ایشان، تفاوتی ندارد. زیرا این است آنچه همه ما اعلام می‌کنیم و شما نیز به این ایمان آورده‌اید.

Evangelium

Markus 16,1-8

- 1 پس از پایان روز سبت، مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب و سالومه روغنه‌های معظری خریدند تا بروند و بدن عیسی را تدهین کنند. 2 و صبح زود روز یکشنبه، درست بعد از طلوع آفتاب، به سر قبر رفتند.
- 3 آنها به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ را برای ما از جلوی قبر خواهد غلطانید؟»
- 4 وقتی خوب نگاه کردند، دیدند که سنگ بزرگ از جلوی قبر به عقب غلطانیده شده است.
- 5 پس به داخل مقبره رفتند و در آنجا مرد جوانی را دیدند که در طرف راست نشسته و ردای سفید بلندی در برداشت. آنها متحیر ماندند.
- 6 اما او به آنان گفت: «تعجب نکنید، شما عیسی ناصری مصلوب را می‌جویید. او زنده شده، دیگر در اینجا نیست، نگاه کنید اینجا، جایی است که او را گذاشته بودند.
- 7 حالا بروید و به شاگردان او، همچنین به پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل خواهد رفت و همان طوری که خودش به شما فرموده بود، او را در آنجا خواهید دید.»
- 8 آنها از مقبره بیرون آمدند و از سر قبر گریختند، چون ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود و از ترس چیزی به کسی نگفتند.